

بازتعریف گردشگری بر مبنای باززنده‌سازی حیات بومی در بافت تاریخی*

سجاد مؤذن

پژوهشگر دکتری مرمت بنا، دانشگاه هنر اصفهان

sajad_moazen_166@yahoo.com

چکیده

سفر به عنوان یکی از بهترین راهکارها برای تحول درونی در فرهنگ‌های مختلف بشر دارای جایگاه ویژه‌ای است. از آنجا که ارتباط مسافر و مقصد لازمه مسافرتی مطلوب است؛ ایجاد شرایط لازم برای شناخت حیات بومی اصیل مقصد از وظایف مداخله‌گران در بافت‌های تاریخی محسوب می‌شود. عموم بافت‌های تاریخی که در کشور مراکش دارای زندگی فعال است؛ در حیات خویش وابسته به صنعت گردشگری است. با حضور توریست در بافت نه تنها کاربری‌های جاری در زندگی عادی و بومی بافت به نفع خواسته‌های توریست‌ها تغییرات بنیادی پیدا می‌کند، بلکه اخلاق و عادات مردم ساکن در بافت نیز توریست‌پسند می‌شود. به همین دلیل شخص حاضر در بافت برای درک لایه‌های اصیل حیات بومی، باید لایه‌های مختلفی از حیات مصنوعی را کنار بزند. هدف این مقاله ارائه راهکارهایی جهت تقارب گردشگری به حفاظت از حیات اصیل جاری در بافت تاریخی است. روش دست‌یابی به مدارک، مطالعه میدانی و در تحلیل داده‌ها از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. از جمله مهم‌ترین راه‌کارهای احیا می‌توان به تجمیع خانه‌های متروک در عمق بافت، به جای تجمیع بناهای در معرض دسترسی گذرهای اصلی اشاره کرد.

واژگان کلیدی

گردشگری، حیات اصیل بومی، رفتارهای توریست‌پسند، فاس، تجمیع.

مقدمه

شرح آن می‌توان گفت: «تزویر یا قلب‌کردن همه چیز یکی از مشخصات بارز عصر ماست و بهترین شاهد این مدعا تزویر در زبان، یعنی کاربرد ناروای کلماتی است که از معنی حقیقی خود منحرف شده‌اند. در اینجا فقط منظور انحطاطی نیست که بر اثر آن بسیاری از لغات سرانجام معنی کیفی خود را از دست داده و فقط معنی کاملاً کمی خود را حفظ کرده‌اند؛ بلکه بیشتر سخن بر سر انحرافی است که بر اثر آن کلمات به اموری اطلاق می‌شوند که نه تنها به هیچ وجه با آنها تناسبی ندارند، حتی گاهی اموری هستند درست نقطه مقابل اموری که در حالت عادی این کلمات بر آنها دلالت دارند» (گنون، ۱۳۶۵: ۲۴۱). بر همین اساس است که می‌توان گفت: سفر در زمین که مقدمه و گاه لازمه سفر در درون خود انسان است، در اختلاط با صنعت گردشگری گاه خود بهانه‌ای است برای عدم پرداختن به درون.

مقاله حاضر پس از بررسی کوتاه و نقد گردشگری و نقص‌های آن، می‌کوشد با بررسی و تحلیل اثرات این صنعت بر یکی از شهرهای مهم جهان اسلام - از نظر ساختار کالبدی شهر و اهمیت این ساختار در انعکاس مفاهیم زندگی اجتماعی اسلامی، راهکارهایی کالبدی در جهت تقرب این صنعت به سفر در معنای اصیل خود و همچنین تقارب گردشگری به حفاظت از حیات اصیل جاری در بافت تاریخی ارائه دهد.

سفر یکی از ارکان ارتقا روحی انسان در مکاتب مختلف فکری و اعتقادی است. کمتر پیامبر یا مؤسس مکتب فکری را می‌توان یافت که در طول حیات خویش سفری تأثیرگذار نداشته و حتی نقاط عطف زندگی آنها، عموماً با سفر یا در سفر شکل گرفته‌است. یکی از مهم‌ترین سفرها در مکاتب اعتقادی، سفر حضرت رسول (ص) از مکه به مدینه است. پرداختن به وجوه مختلف و اهمیت این سفر مجالی مجزا می‌طلبد اما در جهت تأکید بر اهمیت سفر در تفکر اسلامی می‌توان به تشکیل جامعه اسلامی بعد از سفر مذکور (در مقایسه با زندگی انفرادی اعتقادی در دوران مکه) و تغییر محتوایی آیات قرآن بر این اساس و مبنا قرار گرفتن زمان اقدام به این سفر، به عنوان تاریخ اسلام اشاره کرد. در بسیاری مکاتب فکری حضور انسان در زمین و دوره حیات او، سفر محسوب می‌شود و دوره زندگی دنیایی، توقف‌گاهی بین مبدأ و مقصد است.

حال پس از تذکر مختصر اهمیت سفر و گستردگی معنی آن می‌توان با نگاهی آسیب‌شناسانه به تأثیرات مخرب دوره مدرن بر سفر نظر کرد؛ هرچند که امکانات دوره مدرن کمیت سفر را ارتقاء داده، اما کیفیت سفر را به شدت مخدوش کرده‌است و می‌توان گفت با سهل کردن سفر، از معانی عمیق آن کاسته‌است؛ چراکه سفر امروزه عموماً با صنعت گردشگری تعریف می‌شود. کاهش کیفیت سفر از تبعات انحطاطی است که در دوره مدرن، امور معنوی را به نفع امور مادی به حاشیه کشانده‌است و در

سؤالات تحقیق

- چگونه می‌توان با احیا مفهوم سفر اصیل به شناخت حیات اصیل بومی در بافت‌های تاریخی شهرهای اسلام - با تکیه بر تحلیل کالبدی شهر فاس - دست یافت؟
- چگونه می‌توان با ارائه راهکارهایی در زمینه نوع مداخله کالبدی در بافت، رابطه‌ای دوسویه و هدف‌مند را بین گردشگر (یا مسافر در صورتی که معنی سفر در دنیای مدرن احیا شود) و بافت تاریخی ایجاد و تضمین کرد؟

روش تحقیق

با توجه به اهمیت مفاهیم اصیل (مثل سفر به عنوان مفهوم مورد نظر این مقاله) که امروز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ و همچنین اهمیت بافت تاریخی شهر فاس - به عنوان نمونه مورد تحلیل - بخشی از روش مقاله مراجعه به اسناد تاریخی (روش تاریخی) در جهت شناخت مفاهیم مغفول مانده در گنه کلمات و همچنین بناهای موجود در عمق بافت‌های تاریخی مورد نظر است. در جهت تحلیل محتوا نیز روش توصیفی - تحلیلی در تحلیل و نتیجه‌گیری

از داده‌ها (که عموماً به صورت مطالعات میدانی کسب شده‌اند) در راستای دست‌یابی به راهکارهای مورد نظر مقاله، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روند تحقیق در دست‌یابی به نتیجه :

۱. نقد گردشگری به عنوان محصول دوره مدرن؛ به جهت شناخت کاستی‌ها و ضعف‌های میحث مورد نظر مقاله
۲. معنی گردشگری و تفاوت آن با جهان‌گردی سنتی و ارائه تعریف اصیل سفر که مورد نظر مقاله است. معرفی شهر فاس به عنوان مقصدی اصیل برای سفر اصیل.
۳. معرفی تاریخی و کالبدی شهر فاس به عنوان شهر اصیل اسلامی
۴. آسیب‌شناسی گردشگری در شهر فاس و مواجهه با فاس غیرواقعی بر مبنای تغییرات توریست‌پسند صورت گرفته در بافت تاریخی شهر.
۵. معرفی چند طرح احیا توریست‌پسند و بی‌توجه به سنت‌های اصیل جاری در بافت تاریخی شهر.
۶. معرفی میحث تجمیع به عنوان مهم‌ترین راه‌کار احیا بافت‌های تاریخی و آسیب‌شناسی وضع موجود تجمیع در شهر فاس.

تنها سفر می‌کنند. گردشگر با برنامه قبلی دقیق اقدام به سفر می‌کند و زمان برگشت مشخص دارد، در حالی که جهان‌گرد با هدف کشف قدم در مسیر می‌گذارد و تصمیم قطعی برای برگشت ندارد.

به طور خلاصه می‌توان گفت: هدف گردشگری گشتن است و هدف جهان‌گردی (سفر برای تجارت، هجرت، تحصیل و حصول شناخت)، حصول جهان‌بینی در قالب دیدن جهان است.

رجوع به شهر فاس به عنوان مصداق

برای درک بهتر اهمیت احیا مفهوم سفر اصیل رجوع به مصداق مؤثر است. آثار تاریخی معماری بسیار بیشتر از ارزش سندیت تاریخی خود، دارای ارزش‌هایی است که آنها را به عنوان اسناد کالبدی زندگی اصیل سنتی معرفی می‌کنند. بافت‌های تاریخی و خانه‌های آنها روایت‌گر نوعی از حیات انسان است که حلقه گمشده زندگی انسان مدرن است. با توجه به گستردگی این سنت‌ها در سرتاسر جهان سفر یکی از مهم‌ترین راه‌های آشنایی با سنت‌های اصیل و متنوع حیات انسان‌ها در مقاطع زمانی و مکانی مختلف و درک شباهت‌ها و تفاوت‌های آنهاست.

انتخاب شهر فاس به عنوان نمونه مورد مطالعه به دلیل اهمیت آن در جهان اسلام و تلاش‌های متنوع دهه‌های اخیر برای باززنده‌سازی آن است. این شهر مقصد سفرهای متعدد گردشگری و منبعی برای شناخت سنت‌های اصیل زندگی اسلامی است. هرچند به دلیل عدم توجه کافی به وجوه فراکالبدی شهر در مداخلات سال‌های اخیر در بافت تاریخی شهر و همچنین سلسله‌مراتب متنوع و مفصل شهرهای اسلامی در دست‌یابی از بخش‌های عمومی به بخش‌های خصوصی؛ گردشگران با لایه‌ای سطحی از شهر مواجه می‌شوند که بعضاً با حیات اصیلی که روزگاری در کالبد شهر جاری بوده، متمایز و گاه مغایر است.

در جهت درک بهتر نقد فوق در گام اول باید شهر فاس و وجوه شاخص حیاتی آن را به اختصار شناخت و سپس میزان برقراری ارتباط گردشگران با آن را مورد بررسی قرار داد.

فاس، شهر اصیل اسلامی

«هیچ شهر بزرگ اسلامی به جز فاس را سراغ ندارم که بدین پایه کهن و آکنده از علم و دین بوده و به دست یکی از فرزندان راستین پیامبر بنا شده باشد و هیچ‌گاه از این برکات محروم نبوده است.» (کتانی، ۱۳۸۵: ۱۴۴)

شهر فاس -واقع در مرکز کشور مراکش، در شمال غربی قاره آفریقا- را به عنوان نگین شهرهای اسلامی می‌شناسند. بافت فرهنگی شهر فاس -شکل گرفته در اواخر قرن هشتم میلادی- یکی از پررونق‌ترین و دست‌نخورده‌ترین شهرهای قرون وسطا و بزرگ‌ترین بافت تاریخی ماشین‌ممنوع جهان است. هسته اولیه

۷. تذکر به اصل اساسی در شکل‌گیری بافت تاریخی شهرهای اصیل از جمله شهر فاس؛ فاس هیچ‌گاه قلب خود را به سهولت در معرض دید قرار نمی‌دهد و برای شناخت آن باید به عمق آن راه یافت.

۸. معرفی راهکارهای تقارب گردشگری به حفاظت از حیات اصیل جاری در بافت تاریخی.

نقد گردشگری به عنوان محصول دوره مدرن

انسان دوره مدرن به دلیل فراغت‌هایی که پیدا کرده، باید وقت خود را به گونه‌ای پر کند که از گذران وقت خویش احساس رضایت و سودمندی داشته باشد. از طرفی تاریخ و نشانه‌ها و اسناد منقول و غیرمنقول آن برای انسان مدرن، به بخشی غیرکاربردی و فانتری از زندگی او تبدیل شده‌است که یا موجب تفاخر است و یا بازدید از آنها راهکار گذران وقت‌های آزاد او است. بر همین اساس موزه‌ها شکل گرفتند و آثار تاریخی معماری نیز از چرخه حیات اصیل مربوط به بومی که در آنها شکل گرفته‌است خارج شد و به یادمان‌هایی تبدیل شد که فرق آنها با اشیاء موزه‌ای، امکان حضور انسان در فضای آنها بود و در اصل نگاه انسان به اثر با شی موزه‌ای تفاوتی ندارد. لازم به ذکر است که «وقتی که ما به اثری هنری می‌نگریم، مکالمه و تعاملی بین وجه زیبایی‌شناسانه اثر هنری و چشمان ما برقرار می‌گردد. تمرکز بر وجوه مادی اثر هنری، فراتر و بیشتر از وجوه هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه، کاهش ارزش آثار هنری به اشیاء را در پی دارد.» (Stanley Price, 1996: 4)

این نوع نگاه مدرن به آثار تاریخی هنری باعث کاهش اثر آنها در جامعه و تنزل نقش هنر می‌شود؛ چراکه «فلسفه وجودی موزه آن است که ما باور کرده‌ایم می‌توان آثار هنری فرهنگ‌های پیشین را حفظ و نگهداری کرد. اما چگونه می‌توانیم بفهمیم که در این امر موفق شده‌ایم یا نه؟ عموماً استانداردهای علمی برای اطمینان به بقای آثار را چنان محکم و سختگیرانه تنظیم کنیم که در این میان بسیاری از آثار از میان رفته محسوب شوند. حفظ فیزیکی خود شی دلیلی بر باقی ماندن حاصل حقیقی خلاقیت هنرمند نیست.» (کریر، ۱۳۸۶: ۳۳)

معنی گردشگری^۱ و تفاوت آن با جهان‌گردی^۲ سنتی

گردشگری، سیاحت یا توریسم به طور کلی به عنوان مسافرت تفریحی در نظر گرفته می‌شود. واژه گردشگر از زمانی پدید آمد که افراد طبقه متوسط اقدام به سفر کردند. از زمانی که مردم توانایی مالی بیشتری پیدا کردند و عمرشان طولانی‌تر شد، این امر ممکن شد.

جهان‌گردی امری اصیل (در فرهنگ‌های مختلف) است و هدف آن کشف جهان بیرون و به تبع آن کشف جهان درون است. سفرهای گردشگری عموماً گروهی است، در حالی که جهان‌گردان عموماً

شده، اما به دلیل محفوظ بودن شهر از جنگ‌های ویران‌گر و زلزله، پلان شهر تا حد زیادی اصیل است. به همین دلیل نیز به مدد تلاش برای کسب شناخت عمیق از ساختار شهر، (با بررسی‌های میدانی و درک شاکله بافت) می‌توان به درکی مستند از شهر اسلامی - به معنای شکل‌گیری در سایه تعالیم زندگی اجتماعی اسلامی - دست یافت (تصویر ۱).

ریخت‌شناسی فاس

هرچند شناخت کالبدی شهر فاس خارج از حدود مقاله حاضر است، اما معرفی چند نکته کلیدی کالبدی شهر در جهت برقراری ارتباط مخاطب با شهر لازم است:

- بافت قدیم شهر فاس فاقد میدان شهری (حکومتی یا مذهبی) هندسی است و غیر از جلوخان‌های غیرهندسی بناهای مهم شهر و گره‌هایی که محل تقاطع گذرهای اصلی و سقایه‌ها (چشمه‌ها) هستند؛ عمده شهر از بناهایی با حیاط مرکزی کوچک و گذرهای باریک و پرپیچ‌وخم بین آنها شکل گرفته و دارای بافتی متراکم - مشابه اکثر شهرهای اسلامی - است.
- تنها فضای باز بزرگ شهر فضایی است مملو از چاله‌های دباغی با پلانی غیرهندسی.
- فضای باز هندسی اصلی شهر، حیاط بناهای مهم آن از جمله مسجد مدرسه قراوین و زاویه مولای ادریس هستند.
- تناسبات حیاط مرکزی در بناهای عمومی با دیگر شهرهای اسلامی تشابه دارد، اما در خانه‌ها، حیاط‌ها کوچک و نماهایی پرکار در دو یا سه طبقه است.

معماری اندلسی که در شمال‌غربی آفریقا و جنوب‌غربی اروپا در کشور اسپانیا گسترده شده؛ در این شهر رشد یافته‌است. یکی از شاخصه‌های مهم این شهر نوع شکل‌گیری آن است. در اواخر قرن دوم هجری مولای ادریس - نتیجه امام حسن مجتبی - که شهر رومی و ولوبیلیس را فتح کرده و در آن شهر حکومت اسلامی خود را تشکیل داده‌بود؛ به این دلیل که ساختار شهر رومی برای نوع حیات جامعه اسلامی مناسب نیست، دست به تأسیس شهر فاس زد. از آنجا که هیچ کدام از ائمه ما امکان تأسیس شهر را نداشتند و در بهترین حالت ممکن توانسته‌اند در ساختار شهری موجود تغییراتی ایجاد کنند و از آنجا که مولای ادریس در مکتب ائمه تربیت یافته‌است؛ این شهر به دلیل تأسیس و پایه‌ریزی توسط شخصی منسوب به ائمه در بین همه شهرهای اسلامی دارای وجه تمایز است.

«وقایع‌نگاران عرب می‌نویسند: ادریس صبح‌گاه پنجشنبه یکم ربیع‌الاول ۱۹۲ (۸۰۸م) طرح شهر فاس را ریخت و وقتی که عزم ساخت کرد، دست‌ها را به آسمان گشود و با این عبارت برای شهر و سکنه آن دعا کرد: خداوندا فاس را شهر علم و فقاقت قرار ده تا همیشه در آن کتاب تو را بخوانند و همواره پاسدار شرع تو باشند. بدین ترتیب این شهر همیشه دارالعلم و الفقاقت باقی ماند. فضایل، برکات و الطاف الهی که به لطف دعای خیر بنیان‌گذار فاس بهره آن شد، پرشمار و متعدد است و از این نظر مانند شفاعت پیامبر برای مدینه و شفاعت سرورمان ابراهیم برای مکه است.» (بورکهارت، ۱۳۸۹: ۸۷)

هرچند که در طول قرن‌های متمادی تغییراتی در کالبد شهر ایجاد



تصویر ۱. بافت تاریخی شهر فاس. زاویه مولای ادریس و مسجد مدرسه قراوین از شاخص‌ترین عناصر بافت در تصویر مشخص‌اند. حداقل مداخلات در بافت مشهود است. عکس: سجاد مودن، ۱۳۹۵.

آسیب‌شناسی: تفاوت‌های بنیادی اولویت‌های گردشگری مدرن در مقایسه با جهان‌گردی سنتی را می‌توان در قالب جستجویی مختصر پی برد. آنچه در اولین اولویت گردشگری در شهر فاس توسط معروف‌ترین موتور جستجوی اینترنتی ارائه می‌شود، مجموعه‌ای از چاله‌های دباغ‌خانه‌های سنتی شهر فاس به نام Tannery Chouara و بناهای پیرامونی وابسته به آن است. هرچند به دلیل منظر خاص و تنوع رنگی، این بخش از شهر جاذبه‌ای ویژه و منحصر بفرد محسوب می‌شود؛ اما نکته قابل توجه این که برای گردشگری که در پی شناخت شهر اسلامی فاس - به عنوان نگین شهرهای اسلامی - و درک حیات نهفته در کالبد بناهای شهر به این شهر سفر کرده‌است، این محله از شهر، معرفی نادرست و ناقصی از حیات شهر اسلامی ارائه می‌دهد. چراکه در شهر اصیل فاس، این بخش از شهر به دلیل بوی بد و زننده این شغل، در حاشیه شهر قرار می‌گرفت و بر خلاف آنچه در روند گردشگری امروز به نظر می‌رسد، قلب حیات شهر نیست. البته انتخاب این مکان به عنوان شاخص‌ترین وجه شهر فاس، فقط بر عهده گردشگران نبوده و متخصصان و تصمیم‌گیرندگان احیا این بافت نیز تحت تأثیر اولویت‌های توریست‌پسند، بخش اصلی مانورهای احیا خود را بر این نقطه متمرکز کردند و برای احیا آن مسابقات فراوانی برگزار شد (تصویر ۴).



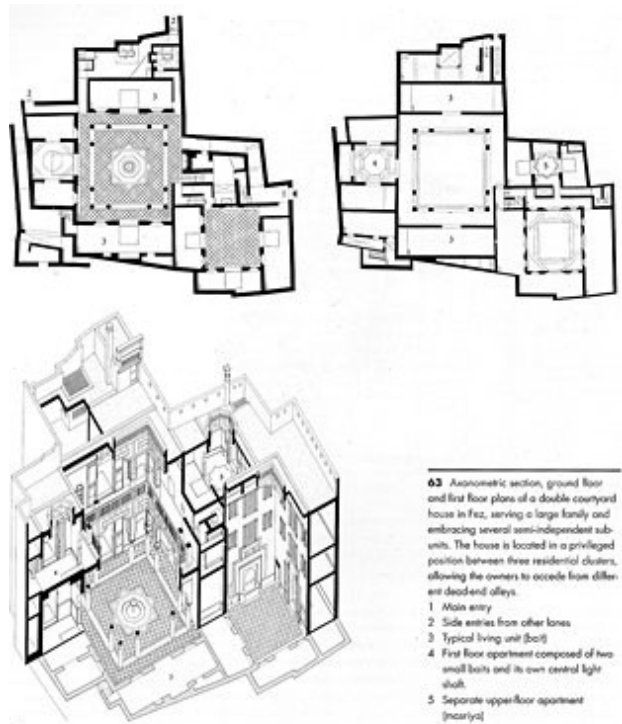
تصویر ۲. جلوخان کاروانسرای نجارین و سقایه کنار آن. الگوی اصلی ورودی‌های بناهای شهر فاس در این تصویر مشخص است. البته این ورودی از نمونه‌های پرکار و پرتزیئن است که از ازاره چوبی، تزیینات گچ‌بری و مقرنس قطاری مفصل چوبی به همراه آیات قرآن حجاری شده بر گچ و چوب تشکیل شده است. عکس: سجاد مؤذن، ۱۳۹۵.

سقایه (جهت برداشتن آب چشمه) در سمت راست تصویر مشخص است که در اکثر گره‌های شهری مشهود است. تزیینات سقایه‌ها شامل کاشی‌کاری در مقاطع پائینی (به دلیل تماس مستمر با آب)، گچ‌بری در لچکی‌ها و مقرنس قطاری چوبی و پوشش سفالی سبز فوق آن می‌شود.

• یکی از شاخصه‌های شهر فاس ورودی‌های آن است که شامل لچکی‌های گچ‌بری شده و حکاکی روی چوب و سایبانی چوبی بر فراز درب است (که در نمونه‌های مفصل‌تر به مقرنس قطاری چوبی و سفال سبز بالای آن تبدیل می‌شود)؛ و همین سایبان چوبی برای بناهای عمومی و مهم شهر به پوششی مشابه چهارطاقی بر روی گذر تبدیل می‌شود (تصویر ۲ و ۳).

گردشگری در شهر فاس و روبه‌رو شدن با فاس غیرواقعی

برای دستیابی به شناخت مذکور باید کلیت شهر و جریات آن هم‌زمان درک شود. چشم ناظر حاضر در شهر باید در حین حضور در گذرهای شهر، گاه از نقطه حضور بالا رفته و کلیتی یکپارچه را مشاهده کند و گاه بر روی جزئیات تمرکز کند و عناصر تشکیل‌دهنده تزیین یا کتیبه‌ای را تجزیه و تحلیل کند. این نوع ارتباط با شهر میسر نمی‌شود، مگر زمانی که سیاست‌های احیا بافت تاریخی فراتر از خواسته‌های رایج گردشگری مدرن شکل گرفته باشد. برای آسیب‌شناسی مختصر این نوع گردشگری و ارائه راه‌کارهای مناسب برای رفع نواقص آن و ایجاد زمینه ارتباط انسان و شهر و شکل‌گیری شناختی عمیق از شهر اسلامی، شهر فاس به عنوان نمونه مورد تحلیل انتخاب شد.



تصویر ۳. پلان طبقات و مقطع آگزونومتیک از یکی از خانه‌های شهر فاس (تناسبات کشیده حیات). مأخذ: www.brynmawr.edu

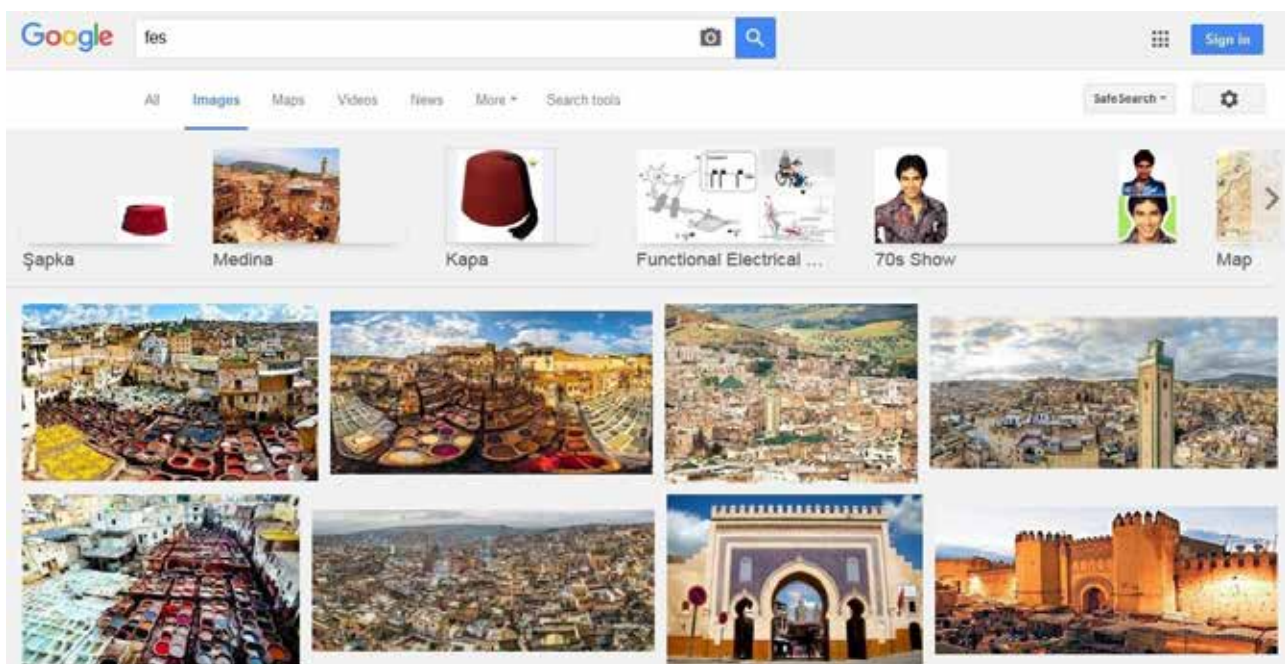
طرح‌های احیای توریست‌پسند

با توجه به اهمیت بافت تاریخی شهر فاس در مجامع علمی دنیا مسابقه‌های متعددی در جهت احیا و باززنده‌سازی شهر قدیم فاس برگزار شده‌است. نکته مهم این است که در اکثر طرح‌های ارائه شده در این مسابقه‌ها که تلاش در ارائه طرح‌های خلاقانه و نوآورانه در بافت تاریخی دارند، کاربری اولیه سایت مورد نظر را حذف و کاربری جدید و متناسب با خواست توریست برای آن در نظر گرفته‌اند. بر این اساس که مثلاً در بعضی از طرح‌ها بناهای پیرامون چاله‌های دباغی دارای کاربری اقامتی هستند (در صورتی که در وضع اصیل خود به کاربری‌های وابسته به صنعت دباغی اختصاص داشته‌اند) و چاله‌ها که در وضع موجود خود نیز - بر اساس کاربری سابق خود - فعال هستند؛ به گلدان و محل کاشتن گیاه تغییر کاربری داده‌اند (تصویر ۵ - ۷).

با بررسی مختصر مبانی نظری طراحی در بافت شهر فاس با گونه‌ای از احیا بر اساس تجمیع دانه‌های بافت مواجه می‌شویم که برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت خود، حتی به حدود و کلیات کالبدی بناهای بافت نیز پای‌بند نیست و سعی در یک‌پارچه کردن کالبد چند خانه موجود در محدوده طرح خود دارد. به عنوان مثال در توضیح طرح مسابقه yedouna lalla place که توسط Maurizio Deri Monica & Andruetto طراحی شد، در جهت احیا فضای باز مرکز محدوده و خانه‌های پیرامون آن ذکر شده‌است که «همه اجزا طراحی برای رسیدن به یک گشایش رو به خارج است، که

قصد تجمیع رودخانه و کل منطقه پیرامون آن به عنوان یک مجتمع، به جای منطقه‌ای مرزبندی‌شده بین فرهنگ‌های مختلف (که تا به حال چنین بوده است) را دارد. در این روش این منطقه به مکانی برای مبادلات سودآور بین مردم از فرهنگ‌های مختلف تبدیل خواهد شد.^۳ (www.divisare.com) بر همین اساس و با توجه به طرح‌های احیا مطلوب تصمیم‌گیرندگان برای شهر فاس - که ایجاد فروشگاه‌های وسیع برای جذب توریست است - طرح مذکور به ایجاد ارتباط بین خانه‌های تاریخی - در طبقه‌ای که به فضای فروش تبدیل می‌شود - اقدام می‌کند؛ «با توجه به طرح‌های احیا کاربری، ما قویاً پای‌بند به حفاظت کالبدی، (البته) بدون وجود دیوارهای تقسیم‌کننده فضا و استفاده از مبلمان جهت تعریف فضای جدید، در جهت به دست آوردن مساحت طبقه مورد نیاز قوانین مسابقه (برای ایجاد فروشگاه‌های محصولات صنعتی) هستیم.»^۴ (www.divisare.com)

تجمیع دانه‌های منفرد در قالب تغییر در کالبد شهر متناسب با نیازهای توریست به عنوان مهم‌ترین راه‌کار احیای بافت با توجه به این‌که خانه‌های تاریخی برای زندگی امروز قالب مناسبی به شمار نمی‌روند و به همین دلیل نیز اکثر خانه‌های بافت تاریخی یا متروک‌اند و یا زندگی حقیرانه در آنها جاری است و ساکنان در بافت عموماً گزینه دیگری برای زندگی در دسترس ندارند که در بافت باقی مانده‌اند؛ یکی از راه‌کارهای احیا بافت - یا



تصویر ۴. حاصل جستجوی نام فاس در گوگل. تصاویری که به عنوان اولین جاذبه‌های شهر معرفی شده‌اند مربوط به مکانی است که نگارنده به دلیل بوی متعفن حاصل از روند دباغی، لحظاتی را با اکراه در آن گذراند. بر خلاف این فضا که دارای دافعه بود، فضاهای معرف حیات شهر اسلامی، فضاهایی آرامش‌بخش و دارای جاذبه هستند. مأخذ: www.google.com



تصویر ۶ و ۷. دو مورد از کارهای شرکت کرده در مسابقه که بر مبنای حضور توریست، فضا را بازطراحی کرده‌اند.

(طرح ارائه شده توسط Deri Monica & Andruetto Maurizio)

مأخذ: www.divisare.com

شاکله گذرهای بافت (تنگ‌شدن گذرهای فرعی، پیچ و خم‌های فراوان، ختم‌شدن بسیاری از گذرها به بن‌بست، ساباط‌های فراوان و کم‌نور) خود عاملی بازدارنده در جهت تجمیع به دلیل احیاء است. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که لایه‌های سطحی بافت بر مبنای توریست‌پسند شدن احیاء می‌شود و لایه‌های عمیق آن دست‌نخورده و متروک و یا با حیاتی که درخور شأن ارزش‌های بافت تاریخی نیست، باقی می‌ماند (تصویر ۱۱ و ۱۲).

شناخت حیات بومی شهر در قلب بافت

هرچند که بناهای عظیم عمومی شاخصه‌های شهرهای اسلامی است و منظر کلی شهر را در ذهن ناظر می‌سازد؛ اما لازم به ذکر است که حیات اصیل شهر اسلامی در لایه‌های عقب‌تر از آنچه در نگاه اول در شهر به نظر می‌آید، قابل مشاهده و درک است. لایه‌ای که برای برقراری ارتباط با آن باید از سطوح مهیا شده برای گردشگران دوره مدرن گذر کرد و از گذرهای اصلی و

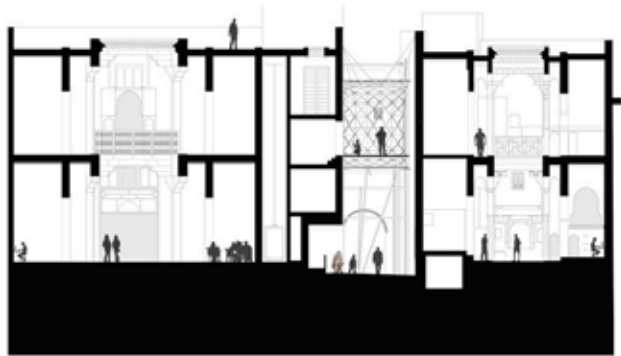


تصویر ۵. سایت مسابقه احیاء yedouna lalla place



به بیان دیگر فعال نگه داشتن بافت-تجمیع دانه‌های منفرد (ایجاد پیوند بین چند بنای منفرد در کنار هم و دادن کاربری واحد به آنها) است. هرچند تجمیع چند خانه-مشابه اقدامی که در شهر فاس صورت گرفته و تبدیل مجموعه‌ای از خانه‌های مسکونی به بنگاه‌های اقتصادی کوچک-باعث حفظ کالبدی خانه‌های کوچک موجود در بافت شهر شده‌است؛ اما این راه‌کار فقط برای خانه‌های حاشیه گذرهای اصلی و در معرض عبور توریست کارساز است. علاوه بر این که این تغییر کاربری و تغییر مقیاس تک‌واحدها به مجموعه‌ای منسجم از چند واحد؛ زمینه بازخوانی غلط نوع زندگی اصیلی که در گذشته در این خانه‌ها جاری بود را فراهم می‌کند.

بنابراین از آنجا که تجمیع عموماً در حاشیه گذرهای اصلی و یا در جوار بناهای مهم شکل می‌گیرد و بناهای موجود در عمق بافت کمتر مورد توجه است؛ بخش مهمی از کالبد شهر که نمایان‌گر حیات بومی آن است، ناخوانده و مغفول باقی می‌ماند. بخش عمده دلیل این غفلت را می‌توان در کالبد بافت جستجو کرد؛



تصویر ۸، ۹ و ۱۰. طرحی که در جهت احیا بافت به بناهای اطراف گذر فقط توجه کرده و با ایجاد پل ارتباطی غیر اصیل و مدرن بین دو خانه سلسله مراتب سنتی حاکم بر خانه‌های فاس را تغییر داده است. مأخذ: architectureasurbancatalyst.blogspot.nl

(الرحمن/۲۶-۲۸)

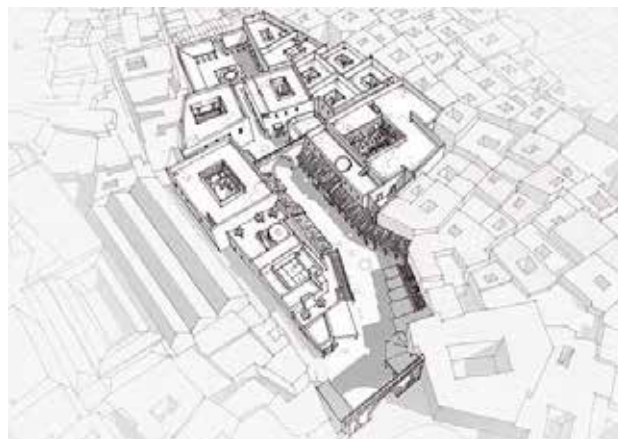
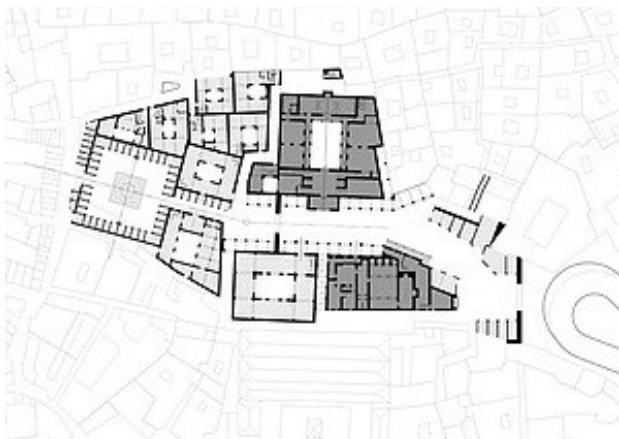
هرچه در روی زمین است دستخوش فنا است و تنها ذات پروردگار صاحب جلالت و اکرام است که باقی خواهد ماند.» (بورکهارت، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

دفاع شهر اسلامی در برابر حضور غریبه

یکی از ایده‌های اساسی شکل‌دهنده شاکله شهرهای اسلامی در سرتاسر قلمرو حکومت اسلام، دفاع شهر در مقابل نیروهای مهاجم است. شهر فاس نیز همانند بسیاری از شهرهای اسلامی دارای تعدادی محدود گذرهای اصلی غیرمستقیم (که عموماً نقش بازار را به عنوان فضای اجتماعی شهر- بازی می‌کند) و تعدادی بسیار زیاد گذرهای فرعی منشعب شده از گذرهای اصلی (که دسترسی

احیا شده و بازدید از بناهای شاخص باید به حضور در کوچه‌ها و گذرهای فرعی و بناهای غیرشاخص و محبوب بافت؛ در جهت شناخت حیات اسلامی شهر و کالبد حمل‌کننده آن، تغییر مسیر داد. چراکه «اگر کسی بتواند از ازدحام بازارها بگریزد و به یکی از کوچه‌های مرتفع، باریک و آب‌کننده وارد شود که آسمان فراز آن‌ها از میان دیوارهای سیاه و بلند خانه‌ها زمین را نظاره می‌کند، آنجا که در فضایی نیمه‌روشن، معدودی رهگذر به چشم می‌خورند، با نسیم خنک و دل‌انگیز گذرابودنی مواجه خواهد شد که همه شهرهای حقیقتاً اسلامی از آن بهره‌مند هستند. روی همه چیز پرده اسلام کشیده شده‌است؛ به قول پی‌یر لوتی: عملاً روی همه چیز بازتاب این آیه قرآن مشهود است:

كَلَّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ



تصویر ۱۱ و ۱۲. طرح پیشنهادی برای احیا چند دانه در دو طرف یکی از گذرهای اصلی شهر. مأخذ: <http://www.scaawards.org>.

بر همین اساس کسی امکان برقراری ارتباط با زندگی شهر را پیدا می‌کند و به حیات بومی جاری در بافت قدیم شهر پی می‌برد که نه تنها از دیوارهای شهر گذر کرده و به داخل خانه‌های تشکیل‌دهنده شهر ورود یابد، بلکه فریفته ظاهر فریبنده این پوسته‌ها نشود و در پی شناخت حیات جاری در آنها باشد (تصویر ۱۳-۱۵).

شناخت مداخله‌های مخرب؛ گام اول در ایجاد مداخله‌های حیات‌بخش

از آنجا که توریست‌پسند شدن مداخلات در بافت، در نهایت به تغییر اخلاق مردم می‌انجامد و وضع کالبدی‌های تغییر یافته و اخلاق مردم، توسط مسافران، وضع اصیل تلقی می‌شود؛ مداخله‌هایی که هدفی غیر از احیا حیات بومی اصیل بافت را - به کمک نیروهای بالقوه موجود و حضور مسافران - مد نظر دارند، باید مداخله‌های مخرب حیات بافت نامید. بر همین اساس در انتهای مقاله به ارائه راهکارهایی در جهت دستیابی به اصول مداخله حیات‌بخش در بافت‌های تاریخی - با محوریت شهر فاس - بر مبنای حضور مسافر در بافت پرداخته می‌شود.

راهکار تقارب گردشگری به حفاظت از حیات اصیل جاری در بافت تاریخی

بر اساس آنچه تا کنون در مورد اثرات گردشگری بر حیات جاری در بافت ارائه شد؛ حال می‌توان به جای گردشگری - در معنای مصطلح امروزی - سفری را پیشنهاد داد که در آن رابطه‌ای دوسویه بین مسافر و مقصد شکل می‌گیرد. رابطه‌ای که برای مسافر علاوه بر سفر بیرونی، سفر درونی نیز به همراه داشته باشد و برای مقصد مسافرت نیز تقویت‌کننده حیات بومی منطقه باشد. این دو اتفاق

به بخش‌های مربوط به حیات خصوصی شهر - در قالب خانه‌ها - را فراهم می‌کند است. تعدد گذرهای فرعی با پلان‌های متنوع و دارای تغییر در ابعاد در پلان و مقطع و شکست‌های غیرهندسی، که عموماً بن‌بست است و در بخش‌های مختلف آنها ساباط‌هایی گذر از معبر را با محدودیت مواجه می‌کند و کاهش عرض آنها - که گاه به حدی می‌رسد که از عرض شانه یک انسان معمولی نیز کمتر است - تمهیداتی دفاعی است.

شهرهای اسلامی با گذرهایی با کیفیت ذکر شده، چندان مهمان‌نواز نیستند. اما برای آشنا، وقتی که از گذرها عبور کند و وارد خانه‌ها شود، با یک جهان کوچک - که مأنوس و پذیرای اوست - مواجه می‌شود. خانه‌هایی که منعکس‌کننده روابط بین انسان و جهان و انسان با دیگر انسان‌ها هستند که در زندگی امروز رنگ باخته‌اند. «در معماری بومی، همیشه قدرتی است که برای نمایش آن محدودیت خاصی وجود دارد، مشابه قلب‌های مردان. من فکر می‌کنم وقتی مردم خانه‌های خود را تنها برای زندگی یک نسل می‌سازند، این مسئله یک علامت شیطانی است. تقدسی در خانه یک مرد خوب است که نمی‌تواند در هر آپارتمانی که به جای خرابه‌های آن خانه بالا می‌رود تجدید شود و مردان خوب آن را حس می‌کنند. این مردان غصه‌دار می‌شوند، وقتی می‌بینند محل اتصال آنها با زمین - که در همه افتخار و شادی و یا درد و رنج با آنها همراه بوده - از عرصه وجود محو شود و پناه و آرامش جاری در آنها به گرد و غبار کشیده شود.» (Ruskin, 1908: 105)

این مسئله را می‌توان به عنوان اصلی در شاکله بافت شهر مطرح کرد؛ شهر فاس (به عنوان یک شهر اسلامی) همه گوهر وجودی خود را در اختیار غریبه قرار نمی‌دهد. یا به بیانی دیگر:

«فاس از سر خرد و حزم هیچ‌گاه قلب خود را به سهولت در معرض دید قرار نمی‌دهد.» (بورکهارت، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

لازم و ملزوم هم هستند و یکی بدون دیگری به وقوع نمی‌پیوندد. به این معنا که برای بافت‌های سالخورده که از حیات اصیل خویش خالی شده‌اند، حضور مسافری که قصد شناخت کیفیات حیات اصیل جاری در آن کالبد را داشته باشد، نیرویی حیات‌بخش است. برای نیل به هدف فوق‌الذکر و برقراری ارتباطی که کیفیت حیات انسان و اثر را ارتقاء ببخشد، باید مدلی از سفر ارائه شود. با توجه به این‌که در مقاله حاضر شهر فاس به عنوان نمونه مورد تحلیل مطرح شد؛ راهکارهای ارائه شده منطبق با شرایط این شهر شکل گرفته‌است؛ هرچند که با کمی تغییر، قابل انطباق با همه بافت‌های تاریخی است. مجموعه اقدامات لازم در این شرایط را بهسازی می‌نامند؛ «بهسازی شامل سلسله اقداماتی است که به منظور بهبود کالبد، که در نتیجه فرسایش فعالیت تحقق یافته‌است، صورت می‌پذیرد. بهسازی زمانی لازم می‌شود که فرسودگی نسبی فضا از لحاظ عملکردی حادث شده باشد» (گلشن و حبیبی، ۱۳۷۸: ۳۳). بر اساس کلیات مطرح شده، حال می‌توان به اقدامات لازم در شهر فاس به صورت موردی پرداخت:

۱. لزوم مواجهه با بافت به عنوان موجودی زنده تحت عنوان کلی: شهر بازتاب بدن انسان
«در بسیاری از منابع سنتی اسلام، هندوئیسم، چینی، مسیحی و بسیاری از ادیان دیگر بدن انسان با شهر یا پادشاهی در قالب شهر، با تمام کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن مقایسه می‌شود. ابن عربی (عارف مشهور آندلسی) در این زمینه کتاب معروفی دارد



تصویر ۱۳. پلان بخشی از بافت شهر و خانه‌های در انتهای یک بن‌بست (گذر فرعی). مأخذ: www.brynmaur.edu.
گشایش جلوی درب خانه که به صورت هشتی سرپوشیده است و درب چند خانه دیگر نیز در این فضا باز می‌شود را باب‌الدار می‌گویند.



تصویر ۱۵. حیاط خانه‌ای وسیع با سقایی‌ای (محل قرارگیری شیر آبی که از قنات تغذیه می‌شود) پرکار و حوضی در جلوی آن. عکس: سجاد مودن، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۴. گذر فرعی دسترسی به خانه‌ای که در پلان فوق با رنگ قرمز مشخص شده، با تناسباتی کشیده و تغییرات فراوان در عرض. عکس: سجاد مودن، ۱۳۹۵.

اشاره به این مطلب است که انسان حاضر در اثر باید از این نقش و قابلیت اثر معماری آگاهی داشته باشد؛ تا اثر امکان ایفای نقش مربی‌گری و اثرگذاری بر او را پیدا کند. دست‌آورد این تذکر علاوه بر به خاطر آوردن سنت‌های فراموش شده، کسب آرامش حاصل از اطمینان صحت حیات است.

• رعایت ادب حضور

بر اساس آنچه در بخش فوق گفته شد و با در نظر گرفتن زنده بودن اثر تاریخی معماری، حضور در محضر اثر و بهره‌مندی از مواهب این حضور، نیازمند رعایت آدابی است. این آداب در نقطه مقابل بازدیدهای شتاب‌زده توریستی امروز هستند. با سؤال در محضر اثر حاضر شدن و رعایت سکوت و سکون را می‌توان از مقدمات این آداب دانست.

۳. تجمع بناهای منفرد با هم در عمق بافت، به جای تجمع دانه‌های در جوار گذرهای اصلی (احیا واحدهای همسایگی) به این معنا که الگوی تجمع و احیا نباید بر اساس اولویت‌بندی‌های اقتصادی صرف صورت گیرد، بلکه به خانه‌هایی که در عمق گذرهای فرعی بافت قرار دارند و راوی حیات اصیل و ساده شهر هستند نیز باید توجه شود.

حضور در عمق بافت و شناخت آن نیازمند نوعی اختیار دادن به بافت برای هدایت انسان است؛ خود بافت باید انسان را در کوچه‌های خود از نقطه‌ای به نقطه دیگر جذب کند. «تجربه شهری، یعنی گم‌شدن و گم‌کردن خود در شهر به منظور رسیدن به ادراک هوشیارانه و موشکافانه از محیط شهری» (حبیبی و مقصدی، ۱۳۸۱: ۳). این گم‌شدن زمانی نتیجه‌بخش است که احیاگران بافت، اعماق بافت را برای حضور مسافران مهیا کنند و به این نوع تعامل انسان و بافت اندیشیده باشند.

۴. احیا باید بر اساس کاربری‌های اصیل بنا صورت گیرد.

بنایی که برای سالیان طولانی خانه بوده، با کاربری‌ای مربوط به سکونت سازگارتر از کاربری صرفاً توریست‌پسند (محل عرضه و فروش صنایع دستی) است. در صورتی که زیرساخت‌های لازم برای زندگی در مجموعه خانه‌های احیا شده فراهم شود، دو گروه باید در آنها ساکن شوند: ۱. مردم بومی که با قدر بناهای موجود آشنایی دارند و از طرفی حضور آنها در بافت دارای توجیه است. ۲. مسافران نیز به جای اقامت در هتل‌های لوکس موجود در بخش‌های جدید شهر و مواجه شدن با بافت تاریخی به عنوان موزه، می‌توانند در این مجموعه‌ها ساکن شوند و به جای بازدید از خانه‌ها، سکونت در آنها را تجربه کنند.

۵. هر بنایی دارای ظرفیت محدودی است.

برای این‌که روح حاکم بر بنایی توسط انسان حاضر درک شود، آرامش حاکم بر فضا تأثیر فراوانی دارد. این اصل با وضع موجود تعدد و عدم تمرکز بازدیدکنندگان از بافت شهر فاس منافات دارد. به عنوان مثال چگونه می‌توان به روح حاکم بر مدرسه ابوعنانه

با عنوان تدبیره الهیه فی اصلاح الممالک الانسانیه (که به حکومت الهی در پادشاهی بشر ترجمه شده است). بدنی که در منابعی از این دست مورد نظر است، مشابه بدن آناتومیکی که در مدارس پزشکی مدرن مورد مطالعه قرار می‌گیرد نیست. بلکه بدنی است که به صورت سنتی درک می‌شود؛ به این معنی که جایگاه تلاقی مسائل فیزیکی، روحی، احساسی، هوش و معنوی است. شهر فقط با بدن مقایسه نمی‌شود، بلکه شهر بدنی گسترش یافته در قالبی کلان کیهانی است که دارای جایگاهی برای همه عناصر ذکر شده مربوط به بدن است. قلب با مرکز شهر مطابقت دارد و بخش‌های مختلف بدن با کاربری‌های مختلف شهر» (Serageldin and others, 2000: 4).

براساس آنچه ذکر شد، کسب درکی جامع و عمیق از بافت مستلزم این است که شخص حاضر قبل از حضور دارای معرفتی نسبی به مشخصات روح مکان مقصد خویش باشد. پس از آن نیز در زمان حضور در بافت تاریخی باید به ارگان‌های حیاتی بافت و عناصر حیات‌بخش آن توجه کرده و بازیابی و شناخت آنها را هدف قرار دهد.

۲. تغییر دیدگاه تصمیم‌گیرندگان و مخاطبان در مورد آثار و توجه به نقش بنیادی آنها در جامعه از جسدی موزه‌ای به جسمی آرامش‌بخش و تربیت‌کننده

کیفیات خاص زمان ساخت آثار معماری و تلقی مردم سنتی آن دوران از زندگی و همچنین ارزش‌های خاصی که این آثار در گذر عمر- و به مناسبت حضور انسان‌ها در فضای خود- کسب کرده‌اند، قابلیت‌های آنها را از جسدی موزه‌ای که مورد بازدید قرار گیرد، بسیار فراتر برده است.

لازم به ذکر است که یکی از مهم‌ترین اهداف هنر «ذکر و یادآوری» به انسان است. این آثار به دلیل این‌که سند حیات انسان در طول سالیان متمادی است و در کالبد آنها الگوهای ازلی نهفته است، متذکر آن الگوها و یادآور سنت‌های اصیل حیات به انسان است. «انسان در اندیشه اسلامی موجودی است که تحت آموزش الهی قرار گرفته است، بنابراین در وجود انسان دانسته‌هایی ازلی وجود دارد. گرچه در وجود این دانسته‌ها تردیدی نیست، لکن به یاد آوردن این دانسته‌ها امری است که محتاج تذکر است. ذکر، مفهومی است که به سبب هم‌نشینی با معانی والا و نیروی تکرار، به تدریج نوعی اثرپذیری در دل انسان می‌زاید. به نیروی ذکر، دم به دم دانسته‌های قدیم و ازلی انسان در لحظه‌های کنونی حیاتش، جاری می‌شود. بنابراین ذکر، ریسمانی برای دوختن هر لحظه از زندگی دنیایی انسان به مبدا و اصل او است؛ این گونه هر لحظه از حیات وی مهر ضمانتی دریافت می‌کند که نقش خود را در پیشبرد انسان به سوی سعادت ایفا کرده است» (محمدی و میرمجبیبیان، ۱۳۸۷: ۳۵۲) و به همین دلیل نیز رسالت «هنر یادآوری عهده‌ای است که انسان روز الست با پروردگار خویش بسته است» (الهی قمشاهی، ۱۳۷۸: ۱۶۵). مسئله مهم در این مقاله

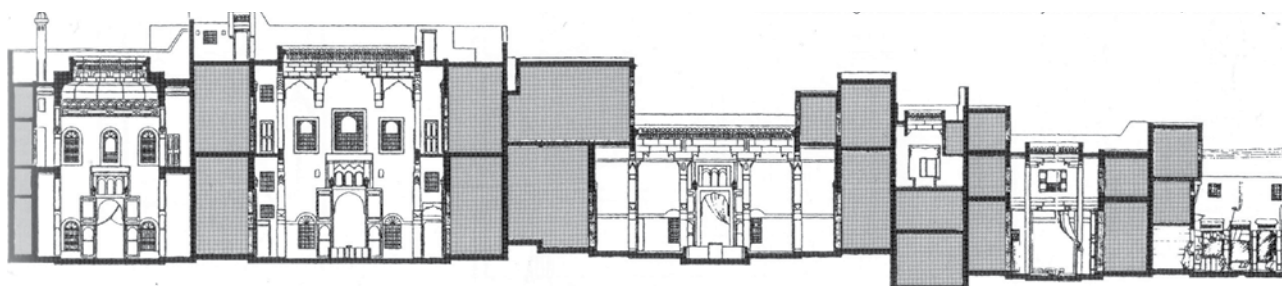
راهنماهای حاضر در فضا بخشی از ایده مذکور را برای توریست‌ها شرح می‌دهند؛ اما بین شرح آنها با درک خود شخص فاصله بسیار است. همان‌طور که بناها یا مجموعه‌های بسیاری در اروپا تعداد محدودی گردشگر را می‌پذیرند، همین ایده را می‌توان برای کل بافت شهر فاس و بافت‌های مشابه، مطرح کرد.

و آرامش طلاب حاضر در آن مدرسه پی برد، در صورتی که همه فضاهای مدرسه مملو از توریست‌هایی رنگارنگ است! و به همین دلیل نیز گردشگر از مدرسه فوق‌الذکر فقط تزئینات غنی آن را درک می‌کند و به ایده‌های اصلی شکل‌دهنده چنین مدرسه‌ای -که تلاش برای علم‌آموزی بوده- پی نخواهد برد. هرچند



تصویر ۱۷. نکته مهم این پلان، قرارگیری بزرگ‌ترین خانه این محله، وسط خانه‌های دیگر و با فاصله از گذر اصلی است. دسترسی این خانه از طریق یک بن‌بست تأمین می‌شود. مأخذ: www.nzdl.org

تصویر ۱۶. عکس هوایی بخشی مسکونی از بافت قدیم شهر فاس که بین دو گذر اصلی قرار دارد و دارای دسترسی از گذرهای فرعی باریک و عموماً سرپوشیده است و بر خلاف بناهای واقع در گذرهای اصلی که دارای کاربری هستند؛ اکثراً متروک‌اند. مأخذ: googlemaps.com



تصویر ۱۸. مقطعی از بافت مسکونی شهر فاس؛ خانه‌های اعیانی و بزرگ‌تر در عمق بافت قرار دارند و برای درک آنها باید طرح‌های بازحیات بخشی به عمق بافت نفوذ کنند. مأخذ: organicit.es/ch.epfl.design

نتیجه‌گیری

همسایگی اصیل در قالبی جدید) است. در صورتی که در طرح احیا شهر، شرایط حضور تمام‌وقت و همراه با آرامش انسان در بافت تاریخی فراهم شود، علاوه بر این که انسان‌ها در مقاطع زمانی مختلف به دریافت‌هایی متفاوت از بافت دست می‌یابند؛ شهر را موجودی زنده می‌بینند و بر همین اساس ارتباط مسافر با شهر، تعاملی بین دو موجود زنده می‌شود، که از پرسه‌زنی در شهر به حضور در محضر شهر و درس‌آموزی از آن تغییر موضع می‌دهد. مسافر زمانی به درکی فراتر از گردشگر دست می‌یابد که با آثار موجود در بافت به تعامل بنشیند و هر اثر و هر گره شهر را محضری برای حضور بداند.

شناخت هدف و اعاده مفهوم حقیقی سفر و تذکر تفاوت‌های آن با گردشگری در قالب غور در فضای ارتباطی مسافر و مقصد، محقق می‌شود. سفر در بیرون، برای تسهیل در امر سفر درون است و شهر فاس به عنوان یکی از شهرهای اصیل اسلامی دارای قابلیت بالایی در تحقق شرایط لازم برای سفر درون است. در جهت احیا مفهوم اصیل سفر، معماران مداخله‌گر در بافت تاریخی شهر فاس باید الگوهای مداخله خود را بر مبنای خصوصیات کالبدی و ریخت‌شناسی بافت که متأثر از فضای فرهنگی حاکم بر حیات بومی شهر است، شکل دهند. یکی از مهم‌ترین الگوهای مداخله که امکان شناخت عمیق حیات بومی شهر فاس را فراهم می‌کند، تجمیع و احیا خانه‌های موجود در قلب بافت (احیا واحدهای

پی‌نوشت

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی مراکش» است که در سال ۹۵ و ۹۶ در پژوهشکده نظر انجام شد و سفر مطالعاتی آن به مقصد ۱۲ شهر مراکش در شهریور ۹۵ برگزار شد.

۱. Tourism

۲. Explorer

۳. Everything has been designed to achieve an opening to the outside, enhancing the river and intending the whole area as an area aggregation instead of the border between different cultures as it has been until now. In this way, the Oued Boukhreab will become important for profitable exchanges between people of different cultures.

۴. With regard to the re-use proposals, we strictly adhered to the will of preserving buildings and some functions of the same type are brought together, without wall divisions and placing furniture to divide the place, to obtain the floor area required by the Competition Rules (see productions Exhibition artisans's stores).

فهرست منابع

- الهی قمشه‌ای، حسین. (۱۳۷۸). مقالات. تهران: انتشارات روزنه.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۸۹). فاس، شهر اسلام، ترجمه: وحدتی، مهرداد. تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- حبیبی، سید محسن و گلشن، صدیقه. (۱۳۷۸). تعاریف و واژگان (مطالب ارائه شده درس بهسازی و نوسازی شهری)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۱). مرمت شهری، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کریر، دیوید. (۱۳۸۶). مرمت در جایگاه تفسیر اثر هنری: دیدگاه یک فیلسوف، ترجمه: کریمی، امیرحسین. دو فصلنامه مرمت و پژوهش، ۲(۷۹): ۱۷۴-۱۹۲.
- کتانی، محمدبن جعفر. (۱۳۸۵). سلوه‌الأنفاس و محادثه‌الأكياس بمن أقبر من العلماء و الصلحاء بفاس، بیروت: دارالثقافه.
- گنون، رنه. (۱۳۶۵). سیطره کمیت و علائم آخرزمان، ترجمه: کاردان، علی محمد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محمدی، جمال و میرمجربیان، فرزاد. (۱۳۸۷). تأثیر و نمود مفهوم تفکر و ذکر در ساختار شهر اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی. دانشگاه اصفهان.

- Ruskin, J. (1908). *Selections from the works of John Ruskin*, cambridge: The Riverside Press .
- Stanley Price, N. (1996). *historical and philosophical issues in the conservation of cultural heritage*, L.A : the Getty conservation institute.
- Serageldin, I., et al. (2000). *Historic Cities and Sacred Sites Cultural Roots for Urban Futures*, Washington, D.C.: The World Bank
- <https://divisare.com/projects/162052-maurizio-andruetto-monica-deri-architetti-place-lalla-yeddouna-a-neighborhood-in-the-medina-of-fez-marocco>
- <http://www.brynmawr.edu/cities/courses/10-190/CITY190/navbar.html>
- <http://architectureasurbancatalyst.blogspot.nl/2012/01/culture-tangle-philippa-birch.html>
- <https://www.scaawards.org/honors-gallery?lightbox=i0196c>
- <http://design.epfl.ch/organicites/2010b/how/research/briefs/vernacular-lessons>